

فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه تاریخ اسلام
سال ششم، شماره بیست و سوم، پاییز ۱۳۹۵
صفحات ۸۷ - ۱۰۹

بررسی علل و پیامد تهاجم روسیه به حرم مطهر امام رضا علیه السلام در سال ۱۳۳۰ق/۱۹۱۲م بر اساس اسناد نویافته

سید مسعود سید بنکدار^۱
شهرزاد محمدی آیین^۲

چکیده

در سال ۱۳۳۰ق/۱۲۹۱ش روسیه تزاری به حرم مطهر امام رضا علیه السلام تعرض کرد. این اقدام متجاوزانه تعدی علنی و عمدی به حقوق و احساسات مذهبی ملت ایران بود و پیامدهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زیادی به همراه داشت. این تحقیق به دنبال پاسخ‌گویی به پرسش‌های ذیل است. چرا حکومت مرکزی از ایجاد آشوب جلوگیری نکرد؟ مقدار خسارات وارده به حرم مطهر چقدر بود؟ اهداف روس‌ها از ایجاد این بحران چه بود؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ضعف دولت مرکزی در مقابل روس‌ها و همدستی حاکم و رئیس‌نظمیه مشهد و متولی آستانه با آنها موجب شد که دولت نتواند از ایجاد این بحران جلوگیری کند. هدف روس‌ها از ایجاد این آشوب، نمایش ضعف حاکم محلی و دولت مرکزی در برقراری نظم و امنیت و ایجاد جو ترس و وحشت به منظور عقب‌نشینی مشروطه خواهان و براندازی نظام مشروطه بود. در این ماجرا مقادیری از اموال حرم مفقود و تخریب شد و شماری از مردم زخمی و کشته شدند. روش تحقیق در این مقاله به صورت کتابخانه‌ای و مراجعه به اسناد و تطبیق و تحلیل منابع موجود، بوده است. بیشتر اسناد استفاده شده در این مقاله، متعلق به آرشیو اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، مشهور به استادوخ (estādux) است. اسناد مذکور برای نخستین بار جهت پژوهش از آرشیو استخراج و استفاده شده است.

واژگان کلیدی: بریتانیا، بمباران حرم، حرم امام رضا علیه السلام، روسیه، یوسف هراتی.

۱. استادیار گروه تاریخ ایران اسلامی دانشگاه اصفهان. (نویسنده مسئول). Sm.sbonakdar@ltr.ui.ac.ir

۲. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی. shahrzadmohammadiaeen@yahoo.com

دریافت: ۹۵/۰۹/۲۰؛ دریافت: ۹۶/۰۱/۲۰

مقدمه

حرم مطهر امام رضا علیه السلام و خزانه آن در دوره قاجار، دو بار مورد تعدی قرار گرفت. نخست در دوره محمدشاه که حسنخان معروف به سالار، فرزند اللهیارخان آصف الدوله به جای پدرش به حکومت خراسان منصوب شد و علیه حکومت مرکزی شورشید. شورش او تا اوایل سلطنت ناصرالدین شاه ادامه یافت و سالار برای تأمین مخارج سپاه خود، به اموال و خزانه حرم مطهر امام رضا علیه السلام دستبرد زد. دومین بار پس از اولتیماتوم روسیه به دولت ایران بود که روس‌ها از سیاست خشونت‌آمیز خود دست برداشته و تعداد زیادی قشون وارد مناطق شمالی ایران کردند. زیرا طبق قرارداد ۱۹۰۷م شمال ایران، منطقه نفوذ روس‌ها بود. در پی اولتیماتوم روسیه به ایران، در ایالات گیلان، تبریز و مشهد، آزادی خواهان علیه نفوذ و دخالت روسیه در امور داخلی ایران، مبارزه گسترده‌ای را آغاز کردند. در مشهد هم که از این هیجانات برکنار نبود، مشروطه خواهان، حرم امام رضا علیه السلام را برای مبارزه، مأمن خود قرار دادند. دولت روسیه برای جلوگیری از وقوع انقلاب‌هایی نظیر تبریز و گیلان، قشون خود را وارد مشهد کرد و توطئه آشوب یوسف هراتی و سید محمد طالب الحق را طراحی کرد. روس‌ها در پی این فاجعه ادعا کردند که نه تنها گلوله‌ای به گنبد و مرقد امام رضا علیه السلام نخورده بلکه از اسباب آستانه هم چیزی به سرقت نرفته است. در این فاجعه عده‌ای از مردم بی‌گناه کشته و زخمی شدند و خسارات غیر قابل جبرانی به اموال و ابنیه حرم وارد شد و دولت روسیه تزاری حاکمیت سیاسی ایران را به طور آشکار نقض کرد و حتی در رسوم بست و امور مذهبی حرم نیز دخالت کرد.

تا کنون پژوهشهایی درباره حمله روس‌ها به حرم امام رضا انجام شده است. رسول جعفریان در مقاله "سندی ادبی از حمله روسها به حرم مطهر امام رضا علیه السلام"، مشکوه، ۱۳۷۸، به بررسی اشعاری موجود در مجموعه‌ای مختصر به نام مصیبت‌نامه درباره بمباران حرم امام رضا علیه السلام پرداخته است. "حرم مطهر رضوی و رویدادهای مهم آن" مشکوه، ۱۳۸۰، مقاله دیگری است از ابراهیم زنگنه که تاریخ رخدادهای مرتبط با



حرم امام رضا علیه السلام را از دوره دیلمیان تا زمان حاضر بررسی کرده است. ابوالفضل حسن آبادی در مقاله "بررسی اسنادی از برآورد خسارات وارده به حرم رضوی در بمباران ۱۳۳۰ق" شمس، ۱۳۸۹، معتقد است که به سبب ضعف حکومت مرکزی در ایران، برآورد خسارت‌های حرم رضوی تا سال ۱۳۳۷ق، به تأخیر افتاد. اما اسناد آرشیو وزارت خارجه که برای نخستین بار بررسی شد، نشان داد که از جمادی الثانی ۱۳۳۰ق وزارت داخله کیفیت بمباران حرم و میزان خسارت‌ها و کشته‌های این واقعه را از طرف کارگزاری مشهد پیگیری کرده است. میثم جلالی در تحقیقی با عنوان "سنگ یادمان واقعه توپ بستن حرم امام رضا علیه السلام"، مشکوه، ۱۳۹۱، به بررسی و بازخوانی کتیبه و مشخصات سنگ یادمانی که پس از این واقعه حجاری و در حرم نصب شد، پرداخته است. این پژوهشگران هیچ یک، آثار تاریخی و ادبی بمباران حرم مطهر را بررسی نکرده‌اند. از این رو این پژوهش پیش رو، به لحاظ تبیین واقعه بمباران حرم امام رضا علیه السلام توسط روسیه تزاری با استناد به اسناد نو یافته، جدید و مفید است.

غارث خزانہ و موقوفات حرم امام رضا علیه السلام توسط سالار در زمان ناصرالدین شاه

حسنخان، مشهور به سالاربار از سال ۱۳۶۴ق که به جای پدرش اللهیارخان آصف‌الدوله به حکومت خراسان رسید علیه حکومت مرکزی و محمدشاه قاجار به مخالفت پرداخت (سپهر، ۷۳/۲). محمدشاه حکومت خراسان را به برادر خود حمزه میرزا واگذار کرد و او را با سپاهی راهی خراسان کرد. بین سپاه دو طرف درگیری‌هایی رخ داد، ولی سالار، هر بار پس از شکست به نواحی اطراف مشهد گریخت. در سال ۱۲۶۵ق دولت، حسام السلطنه عموی ناصرالدین شاه را با سپاه کافی به مشهد فرستاد. سالار به داخل مشهد عقب نشست و به سبب کمبود آذوقه و تجهیزات، تصمیم گرفت از موقوفات حرم مطهر رضوی و خزائن آن برای رفع احتیاجات لشکرش استفاده کند (همان، ۷۵/۳). سالار، شماری از مسئولان حرم از

جمله میرزا صادق ناظر حرم و میرزا محمد تقی را زندانی کرد. «لاجرم سالار...قنادیل و فضا و دیگر ادوات و اوانی زرین و سیمین را برگرفته و به دارالضرب فرستاد. اگرچه مأخوذ او معادل ۲۲۰۰۰ تومان زر مسکوک برآمد، اما بدین جسارت که کرد بسیار از بدایع و دایع عرضه غارت شد» (همان، ۲۷۷/۳؛ اعتمادالسلطنه، ۱۶۵/۳).

آغاز تحریکات روسیه در خراسان در دوره احمدشاه قاجار

روس‌ها از سال ۱۳۲۷ق تا ۱۳۳۰ق بر شمار نیروی نظامی خود در مشهد افزودند. در ماه‌های آغازین سال ۱۳۲۷ق و در حین استبداد صغیر، جنبش مشروطه خواهی در مشهد هم شروع شده بود. کابینه دموکرات به سبب اولتیماتوم ۱۹۱۱ م روسیه و عزل شوستر و قتل عام مردم تبریز به توسط روس‌ها، در خراسان همچنان پایداری و مقاومت می‌کرد. «دابیژا» سرکنسول روسیه در مشهد که طرفدار سیاست امپریالیستی روسیه تزاری بود و به نفع محمدعلی شاه کار فعالیت می‌کرد، خواستار اعمال قدرت مسلحانه بود به همین دلیل برای فرماندار ترکستان، «سامسونوف» نوشت که ایرانیان آماده جهاد شده‌اند (مشروطه گیلان از یادداشت‌های رابینو به انضمام وقایع مشهد، ۱۲۱؛ کاظم‌زاده، ۶۳۶؛ سایکس، تاریخ ایران، ۶۰۱/۲). از اول محرم ۱۳۳۰ق قشون سواره و پیاده روس با توپخانه وارد مشهد و در ارگ و سربازخانه‌ها مستقر شدند (استادوخ: ۱، ۲۱۷-۸-۲۴-۱۳۳۰ ق). به همین سبب علمای ساکن عتبات پس از دریافت اخبار اشغال خراسان، به تهران تلگراف زدند و آمادگی خود را برای ارسال کمک اعلام کردند.

[۴ صفر ۱۳۳۰ق نمره ۱۸۷]

تلگراف رمز مکرم السلطان به وزارت امور خارجه

«...حضور حرکت دو سه نفر از آقایان عظام به محمره لازم می‌دانیم، اگر صلاح است مساعدت کامل خودتان را فوری اعلام تا سریعاً حرکت فرمایند. عبدالله مازندرانی - اسماعیل صدرالدین - آیت‌الله زاده خراسانی - محمدحسین مازندرانی - مکرم السلطان» (ترکمان، ۳۹۵)



و ثوق الدوله وزیر امور خارجه در پاسخ علما، تلگرافی ذیل را فرستاد:
[۵ صفر ۱۳۳۰ ق] به کاظمین از تهران توسط حضرت آیت‌الله زاده خراسانی
«حضور آیات الله مدظلالهم بعد تلگراف های اخیره دایر به دلتنگی آقایان و خبر
ضبط مشهد رسید. خبر مشهد به کلی دروغ... مثل چند سال قبل قشون به عنوان
حفظ اتباع وارد کردند عنقریب بر می‌گردند. همه قسم اقدام در اصلاح امور شده
نتیجه مذاکرات هر چه شد اطلاع داده می‌شود که به عرض آقایان برسانید.
و ثوق الدوله» (همان، ۳۹۶).

کنسول روس، گروهی از بزرگان شهر را دعوت کرد و اظهار داشت که چون
خراسان به واسطه درگیری مشروطه خواهان و استبداد طلبان مانند سایر ایالات،
دچار آشوب و فتنه است این تعداد از قشون را برای حفظ رعایا و اتباع خود وارد
نموده‌ایم و هدف دیگری نداریم (ادیب هروی، ۱۷۱؛ مدرس رضوی، ۲۲۶).

خازن الملک، نایب الایاله خراسان، در ضمن تلگرافی دخالت و دسیسه چینی
روسیه و بریتانیا در حوادث مشهد را برای سفارت ایران، شرح داد. خراسان از جمله
ایالت‌هایی بود که روسیه همواره در صدد ایجاد شرایطی نظیر آذربایجان و گیلان در
آنجا بود. در نتیجه تحریکات روس‌ها در نهایت امنیت خراسان نیز مختل شد. سه ماه
قبل از شروع آشوب یوسف هراتی، ریاست قشون و نیابت ایالت خراسان بر عهده
شخص آگاه و باتجربه‌ای به نام سردار سعید بود. کنسول روس که با حضور سردار
سعید، در ایجاد آشوب ناکام بود، به کمک کنسول بریتانیا، عزل و تغییر او را از
دولت ایران خواستار شد (استادوخ: ۱، ۲۱۷-۸-۲۴-۱۳۳۰ ق).

به راه انداختن توطئه یوسف خان هراتی و سید محمد طالب الحق، یکی دیگر از
اقدامات مأمورین سیاسی و نظامی روسیه، پس از قتل عام تبریز و اولتیماتوم ۱۳۲۹ ق،
برای اجرای مفاد قرارداد ۱۹۰۷ م در شمال ایران و مداخله مستقیم نظامی در مناطق
تحت نفوذ از جمله مشهد، بود (کمال‌زاده، ۱۷۳؛ بهار، ۱۵/۱). روس‌ها ابتدا افراد
شور و ماجراجو را به ایجاد آشوب و بلوا تحریک کردند و سپس به بهانه حفظ

جان و مال اتباع خود، مداخله نظامی کردند و به دنبال این سیاست در ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۳۰ ق با کمک اشرار در خراسان، آشوب برپا کردند (مهدوی، ۳۳۷؛ بهار، ۱۵/۱). یوسف هراتی از اتباع افغانستان و سال‌های زیادی در افغانستان خبرنگارِ مستخدمِ روس‌ها بود. سیدمحمد طالب‌الحق نیز در زمان استبداد صغیر مردم را علیه مشروطیت تحریک می‌کرد. وی با تجدید مشروطیت به خراسان گریخت و با یوسف هراتی همدست شد (مشروطه‌گیلان از یادداشت‌های رابینو به انضمام وقایع مشهد، ۱۲۲).

یوسف هراتی و نایب اکبر، مستخدم کنسولگری روسیه، با تحریک سرکنسول روسیه و از همان مکان کنسولگری برای بازگشت محمدعلی میرزا فعالیت می‌کردند. سرپرسی سایکس، کنسول بریتانیا، اوضاع را به لندن گزارش داد و نتیجه این شد که یوسف هراتی و همکارانش از کنسولگری رانده شدند (سایکس، ۶۰۱/۲؛ نوایی، ۲۹۹؛ استادوخ، ۱، ۲۱۷-۸-۲۴-۱۳۳۰ ق). کنسول روسیه در نامه‌ای به فرماندار ترکستان، شرکت اتباع روسی را در بحران مشهد را انکار نکرد و مدعی شد که با این حال نمی‌تواند و حق ندارد از رفتن آنها به مساجد جلوگیری کند (کاظم‌زاده، ۶۳۶). یوسف هراتی پس از اخراج از کنسولگری روسیه، وارد مسجد «میرهاوا» شد. وی خواستار سلطنت محمد علی شاه است. در نتیجه عده‌ای را پیرامون خویش فراهم آورد. روس‌ها که نگران تأثیر سخنان مهیج و مرتجعانه او در بین مردم بودند، به بهانه این که جان اتباع روس در خطر است، بر تعداد سربازان اطراف حرم افزودند (ادیب هروی، ۱۷۶، سایکس، تاریخ ایران، ۶۰۳/۲؛ مشروطه‌گیلان از یادداشت‌های رابینو به انضمام وقایع مشهد، ۱۲۶). دولت به رکن‌الدوله (علی‌نقی میرزا)، حاکم خراسان دستور داد که شورشیان را متفرق کند. او به بهانه این که تعداد پلیس نظمیه اندک است و مدت زیادی است موجب دریافت نکرده‌اند، اعلام کرد نمی‌تواند با اشرار برخورد کند (شریف کاشانی، ۷۰۵/۳؛ دولت آبادی، ۸۸). سرکنسول روسیه با مشاهده افزایش شمار اشرار، برای کارگزاری و حکمران خراسان پیام فرستاد که یوسف

هراتی از تحت حمایت ما خارج است و اکنون به همراه دیگر شورشیان به سمت مسجد گوهرشاد رهسپار شده‌اند، وی تأکید کرد اگر شما بخواهید از رفتن آنها جلوگیری نمایید مانعی ندارد (ادیب هروی، ۱۷۷؛ مشروطه گیلان از یادداشتهای رابینو به انضمام وقایع مشهد، ۱۲۶؛ استادوخ، ۱، ۲۱۷-۸-۲۴-۱۳۳۰ ق).

واکنش مقامات محلی به عملکرد اشرار

علی نقی میرزا فرزند شاهزاده محمدتقی میرزا از برادران ناصرالدین شاه، پنجمین رکن‌الدوله، در سال ۱۳۳۰ق، برای بار دوم حکمران خراسان شد (موتمن، ۲۳۲؛ سعادت نوری، ۵۹۱). او که فردی سست و بی مسؤولیت و همدست روس‌ها بود پس از دریافت پیام کنسول روسیه با تعلق و تأمل بسیار، رئیس‌نظمیه «منشی نظام» را احضار کرد. منشی نظام هنگامی به نزد وی رسید که که اشرار وارد مسجد گوهرشاد شده بودند (ادیب هروی، ۱۷۷؛ دولت آبادی، ۸۸-۹۱؛ استادوخ، ۱، ۲۱۷-۸-۲۴-۱۳۳۰ ق). شایع بود که رئیس‌نظمیه به ظاهر برای دستگیری اشرار می‌کوشد ولی در نهان با یوسف هراتی مرتبط است. رئیس‌نظمیه به طور رسمی عضو فرقه دموکرات بود ولی در عمل شخصی متزور و دشمن مشروطه خواهان بود (براون، ۱۷۸؛ مشروطه گیلان از یادداشتهای رابینو به انضمام وقایع مشهد، ۱۲). مرتضی قلی خان، نیز که نخستین بار از سال ۱۳۲۹ق تا سال ۱۳۳۳ق متولی آستانه و تنظیم صحن و حدود بست بر عهده او بود، اشرار را نصیحت و ممانعت نمی‌کرد. علما و تجار و اعیان شهر هم هر چه با اشرار مذاکره می‌کردند نتیجه‌ای نداشت. به نظر می‌آمد که نقشه و دسیسه‌هایی در کار بود (موتمن، ۲۳۳؛ شریف کاشانی، ۷۰۴/۳؛ دولت آبادی، ۹۰). طبق اظهارات مرتضی قلی خان، این بی‌نظمی و آشوب‌ها به نفع حکمران شهر بود. چون آخر سال بود و از طرف دولت برای اداره خراسان نیرالدوله تعیین شده بود، رکن‌الدوله تمایل داشت بحرانی به وجود آید تا در منصب خود باقی بماند (ادیب هروی، ۱۸۳). نایب علی اکبر و طالب‌الحق به مسجد گوهرشاد رفتند و یوسف هراتی با اتباعش وارد

صحن جدید شدند (خراسانی، ۶۳۳). از این زمان روس‌ها رو به سمت صحن مطهر موضع گرفتند و برای درگیری آماده شدند (شریف کاشانی، ۷۰۴/۳).

بهانه شروع بحران

کار به جایی رسید که شورشیان از صحن خارج شدند و به اداره کمیسری نوغان هجوم بردند و «نایب حبیب» را که رئیس کمیسری و از اتباع خارجی بود کشتند، تمام اثاث آنجا را غارت کردند و رشته نظم به کلی از هم گسیخته شد (شریف کاشانی، ۷۰۴/۳؛ مدرس رضوی، ۲۲۹). بعد از این واقعه بهانه به دست روس‌ها افتاد. کنسول روسیه و فرمانده قشون قزاق‌ها، «ژنرال ردکو» متفرق کردن اشرار را در ظرف شش ساعت از رکن الدوله درخواست کرد و از آنجا که چنین اقدام فوری برای حاکم مشهد غیر ممکن بود از منصب خود استعفا کرد (دایره المعارف آستان قدس رضوی، ۳۰۵). روس‌ها اداره نظمیه مشهد را طبق نقشه قبلی در دست گرفتند و افراد پلیس را خلع سلاح و حکومت نظامی در شهر برقرار کردند (مشروطه گیلان از یادداشت‌های رابینو به انضمام وقایع مشهد، ۱۳۳؛ مدرس رضوی، ۲۲۹). از آنجا که طالب‌الحق در سخنانش خطاب به مردم می‌گفت که روس‌ها با آنها همکاری دارند، بنابراین به بهانه شرارت‌ها ابتدا نظمیه را از مداخله در امور برکنار کردند و طبق برنامه از پیش طراحی شده، شرایط را برای دخالت هر چه بیشتر خود فراهم کردند.

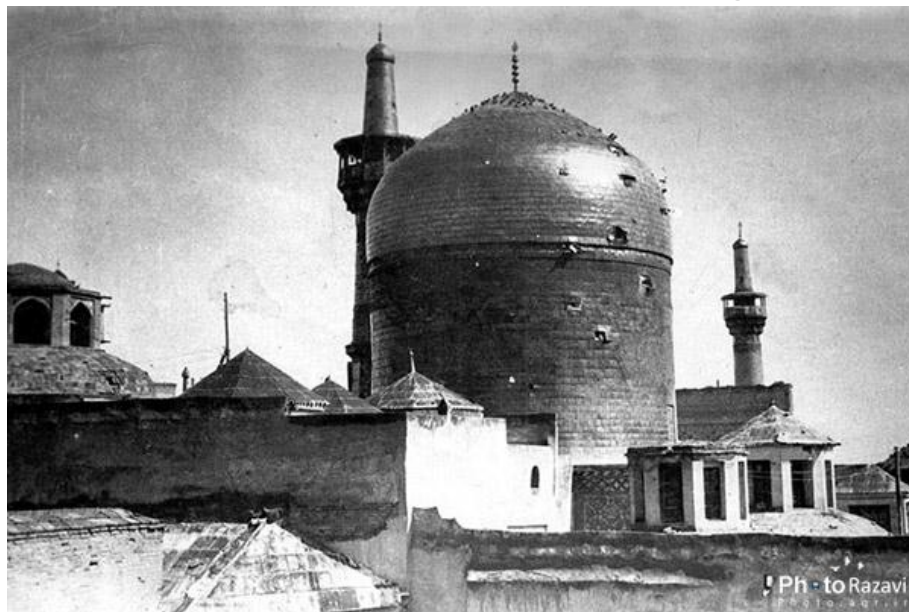
بمباران حرم مطهر

سربازان روسیه به دستور کنسول آن کشور، در دهم ربیع الثانی سال ۱۳۳۰ ق حرم مطهر را محاصره کردند. روس‌ها از مکان‌های مختلف، گنبد مطهر را گلوله باران کردند. بهانه ظاهری متفرق نمودن اشرار بود (خراسانی، ۶۳۳؛ کاظم‌زاده، ۶۴). اشرار که عامل اصلی این مفاسد بودند در تاریکی شب از دروازه‌ای که در دست قشون روس‌ها بود گریختند بدون آن که آسیبی به یک نفر از آنها برسد و تنها شماری زوار و مردم بی‌گناه کشته و مجروح شدند (شریف کاشانی، ۷۰۵/۳؛ نوایی،

۲۹۸). از میان شورشیان تنها طالب‌الحق دستگیر شد. متولی آستانه، یوسف هراتی را پس از فرار در قهوه‌خانه‌ای دید که روس‌ها در حال پذیرایی از او بودند (ادیب هروی، ۲۲۱).

خسارات وارد شده به حرم مطهر

سفارت ایران در لندن در تاریخ ۱۵ جمادی الاول ۱۳۳۰ ق صفحه‌ای از ترجمه روزنامه «تایمز» را درباره بمباران مشهد، برای وزارت امور خارجه فرستاد. طبق گزارش این روزنامه، گلوله‌های شرنیلی ۹۲ عدد و گلوله توپ‌های بزرگ ۲۰۰ عدد ذکر شده بود. «...بیشتر گلوله‌ها به گنبد سبز مسجد می‌خورد ولی چند گلوله هم به گنبد طلائی مرقد خورد و بعضی از گلوله‌ها در صحن مسجد و پاره [ای] خارج از صحن ترکید...» (استادوخ، ۲۱۲-۸-۲۴-۱۳۳۰ ق).



www.tabnak.ir

ایوان‌ها و گنبد مطهر و رواق‌ها از گلوله توپ آسیب دید و درهای حجره‌های صحنین مسجد نیز شکسته شد (براون، ۱۷۸). متولی، تعداد گلوله توپ‌ها را ۲۴ عدد ذکر کرد ولی به گفته ملاهاشم خراسانی، تعداد آن، ۱۸ عدد بود (مشروطه‌گیلان از

یادداشت‌های رابینو به انضمام وقایع مشهد، ۱۴۴). به گزارش عین‌السلطنه (۳۶۸۳/۵) «جمعی قتیل، جمعی دستگیر و گلدسته حضرتی از توپ خراب شده. می گویند خزانه حضرت را هم روس‌ها غارت کردند و آنجا هنوز امن نشده است». طبق گزارش سایکس (تاریخ ایران، ۶۰۳/۲) خزانه حضرت که دارای نفایس و هدایای گرانبهای امرا و سلاطین و دیگر زائرین بود به بانک روسیه انتقال داده شد و پس از بازدید سایکس آنها را تحویل دادند، «هر چند که بعضی از آن اشیاء قیمتی و گرانبها را دستبرد زده و از بین برده بودند». در تلگرافی که از طرف وزارت داخله در تاریخ (۱۳ جمادی الثانی ۱۳۳۰ ق) برای کارگزار مشهد فرستاده شد از وی در مورد علت اختلاف میان سخنان متولی باشی در مورد خسارات وارده به حرم و خزانه آنجا پرسش شد. زیرا متولی در تلگرافی که برای وزارت داخله فرستاد، مخارج تعمیرات ابنیه آستانه مقدسه را چهل و هشت هزار تومان برآورد کرده بود در حالی که خسارت وارده به کاشی‌های عباسی و موارد دیگر قابل جبران نبود، ولی این رقم را برای وزیر مختار روسیه ده هزار تومان تخمین زد. از این رو وزارت داخله از کارگزاری خواست که «محرمانه» از طریق متولی تحقیق کند و میزان خسارات ابنیه آستانه و اهالی و کسبه و مقدار جواهرات مفقود شده خزانه حضرت را گزارش دهد (استادوخ، ۹۸-۱-۲۳-۱۳۳۰).

به گزارش وزارت داخله در تاریخ ۲۰ ربیع الاول ۱۳۳۰ ق طبق شواهد به دست آمده به نظر می‌رسید که خسارات وارده به اموال و بناهای حرم حضرت خیلی زیاد بوده است و ظاهراً برآورد متولی حرم که میزان خسارات را ده هزار تومان ذکر کرده، تحت اجبار روسیه بوده است. از این رو از کارگزار خواست که شخصاً و محرمانه در مورد واقعه و خسارات، تحقیق کند (استادوخ، ۱۲۲-۱-۲۳-۱۳۳۰). دولت در مورد اظهارات متولی حرم تردید داشت، زیرا وی به مدت یک روز نزد روس‌ها توقیف بود و با تهدید از او و سایر روسای آستانه تعهد گرفتند که از اسباب آستانه هیچ چیزی به سرقت نرفته است (مدرس رضوی، ۲۳۱؛ سایکس، تاریخ ایران، ۶۰۳/۲؛ دولت آبادی، ۹۲). در متن این تعهدنامه به تاریخ شنبه ۱۳ ربیع الثانی ۱۳۳۰ ق

آمده است:

«...بهیچ چیز دست بردی نشده و چیزی بغارت نرفته مگر جزئی خرابی... و بعلاوه در حرم و اطاقهای اطراف آن و خزانه و دیگر رواقهای مقدسه هیچ چیزی برده و سرقت نشده و بالتمام سالمأ و صحیحأ بما تسلیم شده است... در اینمدت سه ماه که در این شهر مشهد بهیچوجه حق هیچکس را پایمال نکردند و تمام اهالی از آنها کمال رضایت را دارند...» (استادوخ، ۲۱۴-۸-۲۴-۱۳۳۰ ق).

در تاریخ ۲۳ جمادی الاول و یک ماه پس از جریان بمباران حرم، وزارت امور خارجه صورت خسارات مالی و نفوس را که برای آن وزارتخانه رسیده بود، برای کارگزاری مشهد فرستاد و از کارگزاری سوال کرد که آیا موارد مندرج در گزارش را تأیید می کنند؟ خسارات شامل جعبه نقره، زنجیرهای نقره درهای صحنین، طوق بالای ضریح با بیست و هفت عدد جواهر شامل یک قطعه زمرد، جیقه منقوش و بعضی از چراغها در اطاقهای آستانه و تعداد کشتگان پانصد و پنجاه نفر ذکر شده بود (استادوخ، ۱۱۸-۱-۲۳-۱۳۳۰ ق). خازن الملک، نایب الایاله مشهد که به تازگی وارد مشهد شده بود، در تاریخ ۲۰ جمادی الاول ۱۳۳۰ در پاسخ به تلگرافهای متعدد دولت در خصوص رسیدگی هرچه سریع تر به موضوع خسارات ابنیه حرم و مسجد و اموال مفقود شده و مسائل مرتبط با آن، از دولت درخواست فرصت بیشتری برای بررسی دقیق تر کرد (استادوخ، ۱۶۴-۸-۲۴-۱۳۳۰).

نادرستی ادعاهای مندرج در متن تعهدنامه و اجبار و ترس از روسیه و صوری بودن این سند را اظهارات شاهدان عینی، تصدیق می کند. تلگرافهای بعدی سرکشیک آستانه به وزارت امورخارجه نیز نادرستی اظهارات اولیه کارکنان آستانه را نشان می دهد. به علاوه در تهاجم نظامی آن هم با توپ، قبول این که هیچ خسارتی طبق ادعای روسها و مسئولان حرم مطهر به نفوس و اموال وارد نشده است، بسیار بعید است. کارکنان حرم به دلیل ترس از روسها از افشای صورت واقعی خسارات خودداری می کردند به همین سبب در تلگرافهای متولی و سرکشیک دوم آستانه، تناقضهایی وجود داشت.

کارگزاری مشهد گزارشی به تاریخ ۱۲ جمادی الاول ۱۳۳۰ ق برای وزارت امور خارجه فرستاد و تصریح کرد که متولی، چند نفر را برای بازدید از همه نقاط حرم مطهر و صحنین و مسجد فرستاده است و میزان خسارات بالغ بر چهل و هشت هزار و یکصد و هفتاد تومان ذکر شده ولی در این مسئله چند مورد مشکوک وجود دارد. اولاً تمام کاشی‌های قدیمی کتیبه‌ها را که متعلق به زمان‌های گذشته است، دیگر نمی‌توان تهیه کرد. ثانیاً روس‌ها به بازدید معمار اعتراض دارند، زیرا حاج محمد اسماعیل معاون صنایع که مسئول معمارها بوده از وابستگان کنسول بریتانیا است. آنها دو دستگاه عمارت ییلاقی دارند که آن املاک متعلق به معاون صنایع است و با بریتانیا سال‌هاست در ارتباط است و روس‌ها معتقدند که معاون صنایع را دولت بریتانیا فرستاده است. ثالثاً معاون صنایع مبلغ خسارات را زیاد برآورد کرده تا تعمیرات به او واگذار شود و بتواند برای خود مداخل (درآمد اضافه) کسب کند، در حالی که مقداری از این خرابی‌ها از سال‌ها قبل ایجاد شده و آنها را تعمیر نکرده بودند. قرار شد بازدید دیگری هم انجام گیرد و ظاهراً روس‌ها هم معمار و ممیز آوردند و کنسول روس مبلغ خسارات را دوازده هزار تومان تخمین زد. زمانی که وزارت داخله طی تلگرافی به متولی دستور داد که هر چه زودتر میزان خسارات وارده به حرم و متعلقات را مشخص کند و شروع به تعمیر نماید تا مخارج آن ارسال شود، این حکم بی‌اندازه سبب گستاخی کارکنان آستانه گردید و از رسیدگی به این مسئله خودداری کردند. درحالی که علت این پیشامدها و محرک اشرار برای اجرای مقاصد سوء، همین مسئولان آستانه و چند نفر از بزرگان شهر بودند. بهتر است برای عبرت دیگران و جلوگیری از تصورات نادرست از طرف دولت اخطاری به آنها داده شود (استادوخ، ۱۷۹-۸-۲۴-۱۳۳۰).

وزارت امور خارجه به سبب تناقض گزارش متولی آستانه با گزارش‌های کارگزاری، در مورد خسارت‌ها به «میرزا اسماعیل» سرکشیک دوم آستانه نیز دستور داد تا صورت خسارات حرم را ارسال کند. وی از طریق اشخاصی که صورت اشیاء



خزانه حضرت در دست آنها بود تحقیق کرد و تلگراف رمز آن را به شماره ۱۲۸ در تاریخ ۲۵ جمادی الاول ۱۳۳۰ ق برای وزارت امور خارجه فرستاد. ابتدا اشیاء مفقود را شامل دو قفل یکی طلا و دیگری نقره و یک قرآن خطی قیمتی که بعداً در یکی از اطاق‌های آستانه پیدا شد ذکر کرد (استادوخ، ۸-۲۴-۱۳۳۰ ق). وزارت امور خارجه در تکمیل تلگراف ۱۲۸ به میرزا اسماعیل دستور داد میزان خسارات اهالی و کسبه را نیز از طریق پرس و جو از اهالی برآورد کند. ولی وی تحقیق از اهالی را قابل اعتماد نمی‌دانست و در پاسخ برای وزارت خارجه نوشت، آیا در چنین موقع حساسی می‌توان به گفته‌های مردم متکی بود و خسارات وارده را مشخص کرد؟ اگر به گفته مردم متکی شویم نصف این شهر، صورت خسارت خواهند داد و میزان خسارات را در حدود صد هزار الی دویست هزار برآورد خواهند کرد. و این مسئله برای دولت مشکل ایجاد خواهد کرد. مثلاً اشخاصی که در مغازه و حجره خود هشت تومان کالا نداشته‌اند، ادعای هزار تومان خسارت کرده‌اند و خسارات وارده به کسبه اطراف حرم و زوار را حدود دوازده الی پانزده هزار تومان برآورد کرد (استادوخ، ۱۶۵-۸-۲۴-۱۳۳۰). میرزا اسماعیل مجدداً در تاریخ ۲۷ جمادی الاول تلگرافی برای وزارت امور خارجه فرستاد که محتوای آن با تلگراف ۲۵ جمادی الاول کاملاً متفاوت بود:

[۲۷ جمادی الاول ۱۳۳۰] استخراج تلگراف رمز مشهد

وزارت امور خارجه

«اغلب مسائلی را که سوال و رقم فرموده‌اند صراحتاً بعرض رسانیده حالا هم تجدید عرض میکنم مسئله جعبه نقره و قفل‌های طلا و نقره از این قرار است دو قفل نقره و یک قفل طلا در یک جعبه کوچک نقره مفقود شده که این روزها یکی از قفل‌های نقره دست یک زنی پیدا شد یک قفل نقره و یک طلا عجالتاً مفقود شده دو زنجیر کوچک نقره هم در جوف همان جعبه بوده مسئله جواهر منحصر به یک طوق شبیه مانندی است که در بالای ضریح مقدس آویزان بوده که دانه‌های آن بعضی اصلی بعضی بدل، یک انگشتر زمرد در میان آن طوق بوده که تقریباً دویست تومان

قیمه داشته با بعضی از دانه‌ها که روی هم موافق تقریر متولی باشی و خازن‌التولیه ششصد تومان قیمه آنها بوده از چراغ‌ها یک چهل چراغ در سر مقبره از موتمن‌السلطنه شکسته و از جهت تحقیقاتی که شده چند جفتی چراغ سقفی قندیل [دار] در سر مقبره‌ها شکسته شده از چراغ‌های حرم و رواقها چیزی عیب نکرده اینک رقم فرموده‌اند چهارصدوپنجاه گلوله توپ شلیک شده توپ شراپنل... صدوهشتاد تیر خالی شده است نوزده گلوله به گنبد مطهر خورده... خرابی سر در ایوان و محل ساعت بزرگ و بادگیری شربت خانه و سر در صحن خیابان از همان گلوله‌های شراپنل است عده مقتولین از پنجاه نفر متجاوز نیست و عده مجروحین بطور دقیق سی و یک نفر و عده محبوسین بیست و سه نفر است.» (استادوخ، ۱۸۳-۸-۲۴-۱۳۳۸ ق).

تعداد مقتولین در صحن و مسجد طبق برآورد شاهدان عینی از جمله شیخ حسین بافقی حدود چهل الی پنجاه نفر بود (براون، ۱۷۵؛ مشروطه‌گیلان از یادداشتهای رابینو، آشوب آخرالزمان، ۲۲۷). از آنجا که اسناد واقعه بمباران حرم مطهر محرمانه بود و با وجود انتشار خبر این واقعه در جراید خارجی، دولت ظاهراً به دلیل نگرانی از بروز جنبشی اجتماعی در صورت آگاهی توده مردم ایران، از انتشار خبر جزئیات واقعه و میزان خسارت‌های مالی و نفوس خودداری کرد

انتخاب مکانی که از گذشته‌های دور طبق سنت بست نشینی به عنوان بست و حریم امن جهت حفظ جان و مال مردم مطرح بود و جزء مکان‌های مقدس محسوب می‌شد برای پیشبرد اهدافی چون ترساندن توده مردم، آزادی خواهان و قدرت نمایی روسیه بود. و به هیچ وجه هدف روسیه مجازات متجاسرین و اشرار نبود و عاملان اصلی این آشوب گریخته ولی به جان و مال مردم بی‌دفاع و بناها و اموال حضرت آسیب و خسارت وارد شد و مشخص بود دولت روسیه مردم ایران را هدف قرار داده است نه اشرار را، زیرا مردم در سراسر ایران مخالف قرارداد ۱۹۰۷م و ورود نیروهای بیگانه بریتانیا و روسیه به ایران بودند و چون طبق برنامه قرار بود پس از ایجاد بحران روس‌ها مداخله نظامی کنند و به ظاهر اشرار را متفرق نمایند، از همان

ابتدا قدرت لازم را داشتند که مانع ورود اشرار به حرم مطهر شوند تا در صورت برخورد نظامی به سایر مردم و بناها آسیب نرسد ولی ممانعت از ورود اشرار را با توجه به این که می‌دانستند حکومت محلی توان نظامی لازم را ندارد به عمد به حاکم مشهد واگذار کردند.

دستورات وزارت امور خارجه ایران به کنسول روسیه درباره تغییر ندادن حدود و بست آستانه حرم

روس‌ها تا مدتی پس از خروج از صحن نو باز هم با اسب و یا پیاده به صحن‌ها و مسجد عبور و مرور داشتند و فرمانده قزاق‌های روس اعلانی منتشر کرد که تا از تهران حدود بست معلوم نشود غیر از صحنین همه جا برای عبور روس‌ها آزاد است (مشروطه گیلان از یادداشت‌های رابینو به انضمام وقایع مشهد، ۱۴۱). نایب‌الایاله مشهد (۲ ربیع الثانی ۱۳۳۰) برای وزارت خارجه نوشت، چون کنسول روس‌ها در حدود و بست حرم قصد تغییر داشته است مکرر با وزیر مختار روسیه در این خصوص صحبت کرده است و سفارت روسیه هم مخالف تغییر حدود بست بود (استادوخ، ۱۲۳-۱-۲۳-۱۳۳۰). وزیر امور خارجه هم در تاریخ (۱۳ جمادی الاول ۱۳۳۰) گزارش مذاکره خود را با سفارت روسیه برای حکمران مشهد فرستاد و در آن به سفارت روسیه متذکر شد که ورود به آستانه و بست مطابق رسوم برای غیر مسلمانان ممنوع است. همچنین از سفارت روسیه و از سن پترزبورگ برای کنسول دستور اکید رسید که بر خلاف رسوم آستانه رفتار نشود (استادوخ، ۹۷-۱-۲۲-۱۳۳۰). به همین منظور وزارت امور خارجه در تاریخ ۲۳ جمادی الاول ۱۳۳۰ به کارگزار مشهد دستور داد بررسی کند، آیا گزارش این که روس‌ها در حدود و بست تغییر داده‌اند و همچنان سواره و پیاده در صحن‌ها عبورمرور می‌کنند درست است یا خیر؟ (استادوخ، ۱۰۱-۱-۲۳-۱۳۳۰). کنسول روسیه با وجود دستورات دولت ایران و سفارت روسیه در مورد تغییر ندادن حدود بست نه تنها موافقت نمی‌کرد، بلکه پیوسته مخالفت و کارشکنی می‌کرد. طبق گزارش میرزا اسماعیل در تاریخ ۲۵ جمادی

الاول ۱۳۳۰ با وجود مذاکرات مفصل با کنسول روسیه، وی به هیچ وجه حاضر نبود حدود بست را طبق رسوم ایران قبول کند. وی مدعی بود دلیلی ندارد که بازار سرپوشیده و نصف شهر داخل حدود بست باشد و تجارت اتباع روسیه به طور کامل به این دلیل مختل شود. وی بیان می‌کرد که ممکن است دوباره یکی از اشرار مانند یوسف هراتی در آنجا پناهنده شود و دولت ایران نتواند آنها را متفرق کند و برای احترام آن مکان، بست صحن‌ها و مسجد کافی است. بر اساس اظهارات کنسول روسیه، سربازان روس همچنان در بازارها عبور و مرور می‌کردند (استادوخ، ۱۷۶-۸-۲۴-۱۳۳۰). مؤتمن السلطنه در تاریخ ۱۱ رجب ۱۳۳۰ ق خطاب به وزیرامور خارجه نوشت که طبق گزارش آستان قدس، کنسولگری روسیه اعلانی منتشر کرده و فقط صحن‌ها و مسجد را جزو بست محسوب کرده و قشون روس در بازارها و اطراف حرم که در گذشته، جزو بست بوده با آزادی کامل حرکت می‌کنند و از وزیر خواست که حدود بست مانند گذشته برقرار باشد (استادوخ، ۲۰۳-۸-۲۴-۱۳۳۰). به نظر می‌رسد دولت روسیه از هر موقعیتی برای نقض حاکمیت دولت ایران استفاده می‌کرد.

اوضاع مشهد پس از بمباران

عمارت‌های حرم تا سه روز پس از بمباران در دست روس‌ها بود و در همان نقاط مقدس مسکرات مصرف می‌کردند و اسب‌ها را هم در وسط صحن بسته بودند (مشروطه گیلان از یادداشت‌های رایینو به انضمام وقایع مشهد، ۱۴۱). در حدود سی مغازه آشکارا مشروب می‌فروختند و در قهوه خانه‌های عمومی و گوشه و کنار خیابان‌ها مشغول رقص و آواز بودند (اسناد حضور دولت‌های بیگانه در شرق ایران، ۹۸-۹۹). روز بعد از بمباران ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۳۰ ق ژنرال ردکو در اعلامیه‌ای، گستاخانه دلایل اقداماتی که توسط ارتش روسیه انجام شد را چنین برشمرد:

۱- جمعی از اشرار، آستانه مقدس را مأمّن خود قرار داده و به واسطه منافع شخصی باعث وحشت عموم مردم و مانع کسب کسبه شده بودند.

- ۲- به کمک قوه قهریه شهر مشهد منظم شد زیرا شهر به آشوب کشیده شده بود.
- ۳- ساکنین شهر باید به کارهای روزمره خود بپردازند و مشغول تجارت باشند.
- ۴- زیارتگاه مسلمین و اموال آن نه فقط دست نخورده بلکه به واسطه قشون دولت روسیه محافظت می شود.

۵- سرپیچی از این قانون عواقب سنگینی در پی خواهد داشت (دایره المعارف آستان قدس رضوی، ۳۰۶؛ ادیب هروی، ۲۲۹).

محتوای اعلامیه ردکو با اجبار و تهدید همراه بود و قدرت حکمران مشهد و دولت مرکزی را نادیده گرفته بود. روس‌ها مدعی بودند که گلوله به گنبد و مرقد مطهر نخورده است ولی عکسی که سایکس از گنبد گلوله باران شده گرفته بود خلاف گویی روس‌ها را ثابت کر(نوایی، ۲۹۹). سفارت ایران در لندن واکنش روزنامه‌های خارجی را در تاریخ ۱۵ جمادی الاول ۱۳۳۰ نسبت به بمباران حرم به وزارت امور خارجه گزارش داد. خبرنگار روزنامه Near East واقعه بمباران حرم مطهر را به طور دقیق بیان کرده بود و این نشان می‌داد که واقعه بمباران در خارج کشور نیز اهمیت بسیار داشت و ظاهراً به دلیل دخالت بریتانیا در امور ایران، اطلاعات این روزنامه حتی از منابع داخلی بیشتر بود (استادوخ، ۲۱۳-۸-۲۴-۱۳۳۰ ق).

طبق گزارش کارگزاری مشهد در ۱۲ رمضان ۱۳۳۰ ق برای وزارت امور خارجه، کنسول روسیه بابت مخارج بیست و سه نفر از اشخاصی که تا زمان رسیدن نایب‌الایاله مشهد توسط روس‌ها دستگیر و در صحن و مسجد زندانی بودند، مبلغ ۲۵۳۳ قران مطالبه کرده بود. از این مبلغ مقداری را اداره نظمیة مشهد پرداخت کرد و چون حکومت محلی بودجه کافی برای پرداخت بقیه مخارج، نداشت از تهران کسب تکلیف کرد (استادوخ، ۱۳۱-۸-۲۴-۱۳۳۰ ق). نیرالدوله حاکم جدید مشهد مجدداً درسنبلة/ شهریور ۱۳۳۰ ق تلگرافی برای وزارت داخله فرستاد. کنسول روسیه هم مخارج زندانیان صحن را مطالبه کرد و هم صورت حساب دیگری فرستاد و مدعی

شد که پنج- شش هزار تومان اموال اتباع خارجی را در شورش مشهد به سرقت برده‌اند و به این ترتیب درخواست غرامت کرد (استادوخ، ۲۰۵-۸-۲۴-۱۳۳۰ ق). وزارت خارجه نیز برای پی‌گیری این مسئله به وزارت داخله دستور داد هر گونه که آن وزارتخانه صلاح می‌بیند پاسخ کنسولگری روسیه را بدهد (استادوخ، ۱۲۳-۸-۲۴-۱۳۳۰ ق).

عاقبت سرکردگان شورش

یوسف هراتی و بعضی از همراهانش پس از بمباران حرم به کوه‌های اطراف مشهد گریختند و چون یوسف، نزد کنسول بریتانیا از حق ناشناسی کنسول روسیه شکایت کرد و به این ترتیب راز ایجاد این آشوب توسط روسیه آشکار شد، به تشویق روسیه و به توسط حکومت محلی خراسان به قتل رسید (سایکس، تاریخ ایران، ۶۰۳/۲). طالب الحق به کربلا رفت و قوای عثمانی او را به جرم جاسوسی برای روسیه دستگیر کرده به دستور محکمه نظامی عثمانی تیرباران کردند (کمال‌زاده، ۱۷۸).

اهداف دولت‌های امپریالیستی روسیه و بریتانیا از بمباران حرم

کینه و نفرت مردم نسبت به عملکرد نادرست و مداخلات سرکوب‌گرانه نظامی دولت روسیه تزاری در جنگ جهانی اول به صورت هواداری و پشتیبانی ملت ایران از نیروی عثمانی جلوه گر شد (شمیم، ۵۴۹). خاطره این عمل آن چنان در ذهن مردم زنده بود که ضد کمونیست‌ها از آن برای مخالفت با شوروی استفاده می‌کردند (باوزانی، ۲۶۷). طبق نظر سایکس این جسارت و بی‌حرمتی برای روسیه در نهایت گران تمام شد زیرا مردم ایران از دولت روسیه متنفر گردیدند. «ما نیز که با دشمنان آنان دست اتحاد داده بودیم از این بار بی‌نصیب نماندیم» (سایکس، تاریخ مختصر ایران، ۱۱۷). یکی از اهداف روسیه کشاندن ایرانیان به درگیری مسلحانه بود و چون روس‌ها به برتری نظامی خود در ایران در برابر دولت و مشروطه خواهان مطمئن بودند به این وسیله بهانه لازم برای اشغال نواحی شمالی ایران به دست روس‌ها



ایجاد می‌شد. کشتار زوار و اهالی مشهد در حرم با این هدف انجام شد که کنسول روسیه و بریتانیا به مردم مشهد بفهمانند که طبق قرارداد ۱۹۰۷م امنیت مملکت ایران به دست قوای روسیه و انگلیس تأمین می‌شود و دولت مرکزی قادر به حفظ امنیت منطقه نیست (کمال‌زاده، ۱۷۹). «[روس‌ها] بمقاصد مکنونه خود که بدست آوردن عنان این مملکت بود موفق و نائل گردیدند» (استادوخ، ۱، ۲۱۷-۸-۲۴-۱۳۳۰ ق). دولت مشروطه با دو مسئله اساسی درگیر بود. یکی مشکلات مالی که بخشی از آن ناشی از تدارک سپاه و مهمات برای بیرون راندن محمد علی میرزا و برادرش سالارالدوله از ایران بود و دیگری نا امنی و نبودن ثبات سیاسی در کشور. روسیه تزاری که از سال‌ها قبل در اندیشه تسخیر ایران بود از هرج و مرجی که در اثر مشکلات دولت ایجاد شده بود استفاده کرد، آنها کمک فراوانی به محمد علی میرزا می‌کردند و در نواحی شمالی کشور نیروهای ضد آزادی را علیه نیروهای دولتی تقویت کردند. در واقع جریان یوسف هراتی برای از میان بردن دولت مشروطه یا حداقل تضعیف آن بود. روسیه از هر موقعیتی برای ایجاد بحران و بهانه برای مداخله در امور داخلی ایران استفاده می‌کرد. از این تاریخ تا شروع جنگ جهانی اول، کشور در حالت بحران و تحت فشار قشون بیگانه به سر می‌برد (شمیم، ۵۴۳-۵۴۹؛ مهدوی، ۳۴۲).

دولت بریتانیا با این که مخالف اقدامات روسیه بود، برای جلوگیری از آن روس‌ها اقدامی نکرد، زیرا بیم داشت که در صورت ابراز مخالفت علنیف زمینه نزدیک‌تر شدن روسیه و آلمان را که قبلاً طی معاهده «پوتسدام»، صورت گرفته بود، فراهم کند. از نظر سرادوارگری وزیر امور خارجه بریتانیا، تا زمانی که قطعه‌ای از خاک ایران به صورت رسمی به روسیه ضمیمه نشده بود و مادام که دولت ایران علناً از بین نرفته بود، روسیه در منطقه نفوذ خود، آزاد بود (مهدوی، ۳۳۹؛ کاظم‌زاده، ۶۴۱).

نتیجه

روس‌ها که طبق قرارداد ۱۹۰۷م قسمت‌های شمال ایران را مناطق تحت نفوذ خود

می دانستند، به ایجاد هرج و مرج و ناامنی و کشتار در مناطق تحت اشغال پرداختند. دولت روسیه با استفاده از ضعف نظامی دولت مرکزی که ناشی از مشکلات مالی، بی ثباتی سیاسی و ناامنی بود، شروع به دسیسه چینی در مشهد کرد. طبق شواهد موجود در اسناد وزارت امور خارجه، کنسول روسیه ابتدا چند نفر از مستخدمان خود را به ایجاد آشوب و اغتشاش در مشهد تشویق کرد و سپس به بهانه حفظ جان و مال اتباع خود و سرکوب اشرار، در امور داخلی ایران، مداخله نظامی کرد. این اسناد ثابت می کند که ۱- واقعه بمباران حرم مطهر امام رضا علیه السلام ناشی از ضعف دولت ایران، سوء استفاده دولت روسیه از این ضعف، همکاری های پنهانی حاکم خراسان و برخی مسئولان حرم رضوی با روس ها و دخالت بریتانیا در برآورد خسارت ها، بود. ۲- برخلاف ادعای روس ها، بمباران حرم مطهر امام رضا علیه السلام، پیامدهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داشت. این ماجرا از نظر سیاسی موجب تضعیف حیثیت و اعتبار دولت مرکزی در برقراری ایجاد نظم و امنیت شد. در ادامه نیز روس ها همچنان به مداخله در امور داخلی کشور و تغییر در حریم و حدود بست پرداختند و با رفتار اهانت آمیز از جمله شرب مسکرات در اماکن عمومی مشهد و بستن اسب هایشان در صحن های حرم، نمایشی از قدرت خود را به اجرا گذاشتند. از نظر اقتصادی بمباران حرم، خسارات جبران ناپذیری به ابنیه و آثار تاریخی حرم، مسجد گوهرشاد و اموال خزانه امام رضا علیه السلام وارد کرد. دولت روسیه در حالی که کارگردان و مجری این دسیسه بود، بابت نگهداری افرادی که دستگیر کرده بود و همچنین اموال مفقود شده اتباعش، از دولت ایران غرامت می خواست. به لحاظ اجتماعی بمباران موجب نگرانی و ترس مردم، جریحه دار شدن احساسات مذهبی آنها و کشته و زخمی شدن تعدادی از زوار بی گناه گردید. در واقع بمباران حرم امام رضا علیه السلام، نه علیه آشوب طلبان، بلکه دسیسه ای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی علیه دولت و ملت ایران بود.

منابع

- ادیب هروری، محمدحسن، *حدیقه الرضویه یا تاریخ مشهد*، مشهد: انتشارات خراسان، ۱۳۲۶.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن، *منتظم ناصری*، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران: انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۶۷.
- باوزانی، الساندرو، *ایرانیان*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: انتشارات روزبهان، ۱۳۵۹.
- براون، ادوارد. *گرانویل، نامه‌هایی از تبریز*، ترجمه حسن جوادی، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۱.
- بهار، محمدتقی، *تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران*، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۲.
- خراسانی، محمدهاشم، *منتخب التواریخ*، تصحیح و حواشی ابوالحسن شعرانی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۵۲.
- دایره‌المعارف آستان قدس رضوی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۳.
- دولت آبادی، علی محمد، *خاطرات سید علی محمد دولت آبادی*، گردآورنده حسام‌الدین دولت آبادی، تهران: انتشارات ایران و اسلام، ۱۳۶۲.
- سالور، قهرمان میرزا، *روزنامه خاطرات عین السلطنه*، به کوشش مسعود سالور، ایرج افشار، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷.
- سایکس، سرپرسی. *مولزورث، تاریخ مختصر ایران*، ترجمه ح. سعادت نوری، اصفهان: انتشارات عرفان، بی تا.
- همو، *تاریخ ایران*، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران: چاپخانه رنگین، ۱۳۳۰.
- سپهر، محمدتقی، *ناسخ التواریخ*، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷.

- سعادت نوری، حسین، «رکن الدوله‌ها»، مجله وحید، شماره هفتم، سال چهارم، ۱۳۴۶.
- شریف کاشانی، محمدمهدی، *واقعات اتفاقیه روزگار*، تهران: انتشارات تاریخ ایران، ۱۳۶۲.
- شمیم، علی اصغر، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، تهران: انتشارات مدبر، ۱۳۷۵.
- کاظم زاده، فیروز، *روس و انگلیس در ایران*، ترجمه منوچهرامیری، تهران: انتشارات کتاب های جیبی، ۱۳۷۱.
- کمال زاده، ابوالقاسم، *دیده ها و شنیده ها*، به کوشش مرتضی کامران، تهران: انتشارات البرز، ۱۳۷۰.
- مدرس رضوی، محمدتقی، *سالشمار وقایع مشهد در قرن پنجم تا سیزدهم*، به کوشش ایرج افشار، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.
- مشروطه گیلان *از یادداشتهای رابینو به انضمام وقایع مشهد در ۱۳۳۰ هـ.ق.*، به کوشش: محمد روشن، رشت: چاپخانه حیدری، ۱۳۵۲.
- مشروطه گیلان *از یادداشتهای رابینو، آشوب آخرالزمان*، به کوشش محمد روشن، رشت: انتشارات طاعتی، ۱۳۶۸.
- موتمن، علی، *تاریخ و توصیف دربار ولایتمدار رضوی علیه السلام*، بی جا: چاپخانه بانک ملی، ۱۳۴۸.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم*، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۷.
- نوایی، عبدالحسین، *دولتهای ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم*، تهران: انتشارات بابک، ۱۳۳۵.

اسناد منتشر شده

- *اسناد حضور دولت های بیگانه در شرق ایران*، به کوشش الهه محبوب فریمانی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲.



- ترکمان، محمد، اسنادی درباره هجوم انگلیس و روس به ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰.
- کتاب آبی گزارشهای محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران، به کوشش احمد بشیری، تهران: انتشارات نو، ۱۳۶۶.

اسناد اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، (استادوخ)

۱۳۳۰-۲۳-۱-۹۸ -

۱۳۳۰-۲۳-۱-۱۲۲ -

۱۳۳۰-۲۴-۸-۱۷۹ -

۱۳۳۰-۲۴-۸-۱۶۵ -

۱۳۳۰-۲۴-۸-۱۶۶ -

۱۳۳۰-۲۳-۱-۱۰۷۱ -

۱۳۳۰-۲۲-۱-۱۲۳ -

۱۳۳۰-۲۲-۱-۹۷ -

۱۳۳۰-۲۴-۸-۱۷۶ -